

پارک عامه

ساحاتی دارای محدوده مشخص و جز ملکیت عامه در مطابقت با احکام قانون برای مقاصد خاص، اختصاص داده شده باشد. پښتو: [عامه پارک]

پارلمان

عالی ترین مرجع تقنینی متشکل از اعضای انتخابی و انتصابی. پښتو: [پارلمان]

پاسپورت

سند رسمی مطبوع که طبق احکام قانون از طرف مراجع باصلاحیت به منظور مسافرت اتباع یک مملکت به خارج و یا بازگشت به کشور متبوع توزیع می گردد. پښتو: [پاسپورت]

پاسپورت تجارتي

پاسپورتي که به مقصد انجام امور تجارت از کشور متبوع به اشخاصی حقیقی که دارای اهلیت تجارتي اند، در مطابقت با احکام قانون از طرف مراجع ذیصلاح صادر می گردد. پښتو: [سوداګري پاسپورت]

پاسپورت تحصيلی

سند رسمی و مشخصی که به منظور تحصیل قصیرالمدت یا طویل المدت، در مطابقت به احکام قانون از طرف مراجع ذیصلاح صادر می گردد. پښتو: [تحصيلي پاسپورت]

پاسپورت خدمت

پاسپورتي که به منظور مسافرت های رسمی و پیشبرد وظایف دولتی و مسافرت های غیر رسمی در خارج، از طرف مقامات ذیصلاح در مطابقت با احکام قانون صادر می گردد. پښتو: [د خدمت پاسپورت]

پاسپورت سياحت

یکی از انواع پاسپورت عادی که به منظور سفر یک شخص به خارج از کشور در مطابقت با احکام قانون صادر می گردد. پښتو: [سياحتي پاسپورت]

پاسپورت سياسي

سند رسمی مشخص که مطابق موازین بین المللی از طرف مقامات ذیصلاح در مطابقت با احکام قانون صادر می گردد. پښتو: [سياسي پاسپورت]

پاسپورت عادي

سند رسمی مشخصی که به مقاصد خاص (سياحت، کار، تصفیه معاملات مدنی و زیارت اماکن متبرکه) از طرف مراجع ذیصلاح در مطابقت با احکام قانون صادر می گردد. پښتو: [عادي پاسپورت]

پاسپورت عيادتي

پاسپورتي که به مقصد دیدن اقارب به استناد دعوت نامه رسمی شخصی مقیم در خارج، از طرف نماینده گی های سیاسی و قونسلای یک دولت در خارج، تصدیق و در مطابقت با احکام قانون صادر می گردد. پښتو: [عيادتي پاسپورت]

پاسپورت قضايي (حل منازعات)

سند رسمی و مشخصی که به استناد اسناد معتبر بنا بر ضرورت تصفیه یا حل و فصل منازعات مدنی یا تجارتي به اثر درخواست شخص در مطابقت با احکام قانون از طرف مراجع ذیصلاح صادر می گردد. پښتو: [قضايي پاسپورت (د منازعاتو حل)]

پاک کردن عقار

عدم موجودیت حق مربوط به غیر، عقد رهن یا سایر عقود انتفاع حین انتقال عقار. پښتو: [د عقار پاک کول]

پاکت (لفافه)

پوشی که در آن اوراق و نوشته ها نگهداری و یا بعد از بسته کردن آن به مرجع مطلوب ارسال میگردد. پښتو: [پاکت]

پخش

نشر اوراق، کتب و نشرات مطبوع، صوتی، تصویری و یا دیجیتالی بشکل حقیقی و یا توسط امواج برای عامه مردم و یا دسته خاصی آنها. پښتو: [پخش]

پرداخت نابجا

تادیه ایکه اساساً شخص مکلف به آن نمیشد.

پښتو: [بې‌خايه وړکړه]

پرداخت های الزامی

پرداخت هایی که به دولت و یا از طرف دولت صورت می گیرد. پښتو: [الزامي وړکول]

پرده بکارت

غشایی که ابتدای مجرای مهبل دوشیزه گان را مسدود می کند. پښتو: [د بکارت پرده]

پروتوکول

معانی مختلف برای پروتوکول وجود دارد، صورت مجلس، خلاصه مذاکرات، معاهده، موافقتنامه نسخه اصلی و اولی، مقاله مقدماتی، توافقنامه، موافقت مقدماتی و پیش نویس سند.

پروتوکول عموماً به مجموعه از مقررات گفته می شود که اشخاص باید برای برقراری ارتباطات آنرا رعایت کنند. پښتو: [پروتوکول]

پروسه تعلیقی

مراحل گمرکی که به موجب آن اموال بمنظور حصول دین گمرکی در تعلیق قرار میگیرد. پښتو: [تعلیقي پروسه]

پسر برادر پدری

پسری که توسط برادر پدری با متوفی منسوب میگردد. (مراجعه شود به برادر پدری). پښتو: [د پلازنی وږور زوی]

پسر برادر عینی

پسری که توسط برادر عینی به میت منسوب می گردد. (مراجعه شود به برادر عینی). پښتو: [د عیني وږور زوی]

پسر پسر

پسر پسر متوفی. پښتو: [د زوی زوی]

پلان کار

برنامه ریزی فعالیت های کارکنان، که به اساس لایحه وظایف جهت حصول دست آورد های متوقعه تنظیم میگردد. پښتو: [د کار پلان]

پلان مالی

سندی که در آن مجموع عواید، مصارف و ارتباطات متقابل اشخاص حکمی (وزارتها و ادارات) با در نظر داشت معین انعکاس میابد. پښتو: [مالي پلان]

پلوان شریک

شخصی که زمینی وی در مجاورت زمین شخص دیگر قرار داشته باشد.

پښتو: [پلوان شریک (د شریکو پولو خاوندان)]

پلوتونیوم

یورانیومی که به شکل سنگ معدنی یا بقایای سنگ معدنی نبوده و مشتمل بر مخلوط ایزوتوپ ها بشکل طبیعی باشد. پښتو: [پلوتونیوم]

پلی گراف

دستگاهی که عکس العمل های فشار خون یا تغییرات تنفسی و تغییرات مقاومت الکتریکی پوست را که در اثر فشار ناشی از دروغ ظاهر می شوند، ثبت می کند. پښتو: [پلي گراف]

پناه دادن موقت

نگهداری موقتی که در مطابقت با احکام قانون از طرف مقام ذیصلاح در مورد اشخاصی تطبیق می‌گردد که شدیداً تهدید گردیده و سلامت جسمی ایشان در معرض خطر جدی واقع شده باشد. پښتو: [موقته پناه ورکونه]

پولیس

ارگان حکومتی مسوول استقرار نظم، جلوگیری از وقوع جرایم، کشف جرایم، جمع آوری دلایل، دستگیری مظنونین و متهمین و تسلیم دهی آنها به مراجع عدلی و قضائی. پښتو: [پولیس]

پولیس بین المللی

پولیس که در ارتباط به رسیدگی به جرایم از صلاحیت فرامرزی برخوردار میباشد. پښتو: [نړیوال پولیس]

پولیس عدلی

موظفین پولیس که مطابق احکام قانون وظیفه کشف جرم، گردآوری دلایل، تشخیص مرتکبین و تحریر محضر را بعهده دارند و تمام اجراء خویش را تحت نظر خارتوال انجام میدهند. پښتو: [عدلی پولیس]

پولیس علمی

روشهای فنی و علمی کشف جرم، شناسائی و دستگیری مجرمین. پښتو: [علمی پولیس]

پولی گامی

نظام تعدد زوجات. پښتو: [پولی گامی]

پینالوژی

علمی که موضوع آن بحث و بررسی در خصوص نحوه اجرای مجازات در محیط زندان و نیز چگونگی اداره کردن امور زندان ها و زندانیان میباشد. پښتو: [پینالوژی]

پیشکی

هر آن چیزی که قبل از موعد اصلی آن، پرداخت و یا اجرا گردد. پښتو: [پیشکی]

پیوند

پیوست ساختن ساقه و یا بخشی از نبات اصلاح شده با نبات و یا درخت دیگر جهت بهتر ساختن جنسیت آن. پښتو: [پیوند]

پول آزاد

پولی که در مورد تسعیر آن به دیگر اسعار، قیود و موانعی موجود نباشد. پښتو: [آزادې پیسې]

پول داخل دوران

تمام سکه ها و پول کاغذی در حال چلند. پښتو: [په دوران کې پیسې]

پول رایج

بانکوت ها و سکه های که به حیث وسیله پرداخت در مطابقت با احکام قانون از طرف مراجع ذیصلاح نشر و قابل چلند شناخته میشود. پښتو: [رایجې پیسې]

پول غیر قابل تسعیر

پولی که با پول معیاری تبادل شده نمی تواند. پښتو: [د تسعیر نه ورپیسې]

پول مسمی

پولی که متعاقدان هنگام عقد به رضایت همدیگر آنرا معین و مسمی کرده باشد. پښتو: [مسمی پیسې]

پول مشروع

پولی که صفت قانونی را دارد. پښتو: [مشروع پسي]

پول نامناسب (پول مندرس)

بانکوت ها و سکه ها که بنا بر ناقص شدن شکل و وزن مطابق احکام قانون از دوران و چلند خارج شده باشد. پښتو: [نا مناسبې پیسې]